

دیپلماسی و فرصت‌ها

یادداشت دکتر ابراهیم یزدی اعتماد ملی

۱۳۸۸/۲/۹

۱- انتخاب «برکت حسین اوباما» به ریاست جمهوری آمریکا نماد تغییر در ساختارهای اجتماعی و دیدگاه‌های مردم آمریکاست. اما این به معنای یک تغییر و تحول یا دگرگونی اساسی در مناسبات قدرت در این کشور نمی‌باشد.

بلکه همه شواهد حاکی از آن است که دولت جدید با تعریف جدیدی از موقعیت آمریکا و جهان در صدد تغییر سیاست خارجی آمریکاست. این یک فرصت مناسب برای جهان، از جمله برای ایران است که در برنامه‌ریزی‌ها باید آن را از نظر دور نداشت.

۲- وزیر امور خارجه آمریکا، خانم هیلاری کلینتون، در اجلاس سنای آمریکا در برابر فشار نمایندگان حزب جمهوری‌خواه در پاسخ به اعتراض آنها به برخوردهای آشتی‌جویانه با دولت ایران به نکته مهم و قابل توجهی اشاره کرد.

او گفت که اعمال انواع فشارهای ایران طی هشت سال گذشته کوچکترین تاثیری بر رفتار ایران و تعدیل آن نداشته است. بنابراین ادامه آن سیاست‌ها و روش‌های برخورد به کلی مردود است. خانم کلینتون بر روش‌های جدید تعامل با ایران اصرار ورزید.

۳- سیاست خارجی هر کشوری علی‌الاصول ادامه سیاست‌های کلان ملی و در خدمت تامین و تحقق منافع ملی و پاسداری از مصالح و امنیت آن کشور است.

بنابراین آنچه دولت اوباما در رابطه با تغییر سیاست خارجی آمریکا، و از جمله با ایران، مطرح می‌سازد به معنای آن نیست دولت جدید به دنبال منافع کلان آمریکا نیست و حاضر است برای بهبود روابط با ایران، یا هر کشور دیگری، از منافع ملی آمریکا صرف‌نظر کند یا امنیت آن کشور را در سطح جهانی نادیده بگیرد. چنین توقعی کاملاً بی‌اساس و ذهنی‌گرایانه است. درست است که انتخاب اوباما، حاکی از تغییرات اجتماعی و بعضاً فرهنگی در آمریکاست اما اینطور نیست که تصور شود مناسبات و روابط اقتصادی و سیاسی حاکم بر آمریکا تغییر اساسی پیدا کرده است و رئیس‌جمهوری جدید به دنبال اعمال این تغییرات اساسی است. آنچه دولت جدید آمریکا به دنبال آن است پیگیری منافع و امنیت ملی آمریکا در چارچوب واقعیت‌های غیرقابل انکار موجود در جهان است. به عنوان مثال، اگر نظریه‌پرداز و تحلیلگر برجسته آمریکا، برژینسکی سیاست خارجی دولت بوش را مورد نقد شدید قرار داده است و سیاست رهبری به جهان و سیطره جهانی را مطرح می‌سازد، به این معناست که او این سیاست را در شرایط متحول کنونی جهان بهتر از هر سیاستی تامین‌کننده منافع آمریکا در درازمدت می‌داند.

۴- پرزیدنت اوباما در پیام نوروزی خود به ملت ایران آمادگی آمریکا را برای مذاکره دوجانبه با ایران، بدون هیچ پیش‌شرطی، براساس احترام متقابل، اعلام کرد. اما این پیام با واکنش مساعد و مناسب ایران روبه‌رو نشد.

واکنش مسوولان ایران به این پیام این بود که دولت آمریکا باید نشان دهد و ثابت کند که اولاً سیاستش تغییر کرده است و ثانیاً در این پیشنهاد خود صداقت دارد. باید گفت هیچ معیار عملی برای سنجش جدی بودن تغییر در سیاست خارجی آمریکا یا صداقت آن دولت وجود ندارد که دولت ایران بتواند با به‌کارگیری آن معیارها به صداقت و جدی بودن تغییرات پی ببرد و پیشنهاد مذاکره را بپذیرد. هنوز هیچ دستگاهی در جهان کشف و ساخته نشده است که همچون دستگاه‌های کنترل مسافران در فرودگاه‌ها بتوان با قرار دادن افراد در آن میزان صداقت و جدی بودن اراده برای حل بحران‌ها را دریافت.

۵- جریان‌ها و جناح‌های پرقدرتی در آمریکا هستند که با بهبود روابط ایران و آمریکا به شدت مخالفند و از هر امکانی برای پیشگیری از آن یا تخریب فرآیند آن استفاده می‌کنند.

این یک راز آشکار است که صهیونیست‌ها و نیروهای تند و افراطی و نئوکان‌ها و اصولگرایان اسرائیلی به شدت از نزدیکی ایران و آمریکا هراس دارند. دقت در مشروح مذاکرات اخیر مجلس سنا و نمایندگان کنگره آمریکا به خوبی و به وضوح این هراس را نشان می‌دهد.

در ایران نیز، متأسفانه جریان‌های قدرتمندی هستند که به هر دلیل و با هر انگیزه‌ای بهبود روابط ایران و آمریکا را برنمی‌تابند و در فرصت‌های مناسب، با بهانه‌های مختلف با حادثه‌آفرینی در فرآیند بهبود روابط، یا حتی آغاز مذاکره اختلال ایجاد می‌کنند.

بحث اینکه میان این دو جریان در ایران و آمریکا و خاورمیانه ارتباط ارگانیکی وجود دارد یا نه، در این تحلیل مختصر نمی‌گنجد. مهم و قابل توجه این است که هر دو جریان یک منطق دارند. جریان‌های قدرتمند آمریکا که مخالف بهبود روابط ایران و آمریکا هستند همین موضع و استدلال برخی از مقامات برجسته ایران را مطرح می‌سازند و دولت جدید را از هر نوع نرمش و انعطاف‌در برخورد با ایران برحذر می‌دارند.

۶- دیپلماسی علم فهم وضعیت جهان متغیر و تحول و هنر بهره‌برداری از شرایط موجود، به نفع منافع ملی است نه عرصه زورآزمایی، کشتی گرفتن، رو کم کردن و... تنها راه اطمینان از جدی بودن و صادق بودن طرف مقابل، برخورد مثبت با حرکت آشتی‌جویانه آمریکا و ورود به فرآیند مذاکرات و رصد کردن هشیارانه رفتارها و گفتارها می‌باشد.

خداوند علیم و حکیم در قرآن مجید، در رابطه با حل صلح‌آمیز تخاصمات می‌فرماید: «و ان جنحوا للسلام فاجنح لها و توکل علی الله انه هو السميع العليم» و اگر به صلح گرایند، تو نیز به صلح گرای و بر خداوند توکل کن که اوست شنوا و دانا (انفال ۶۱)